

نوئیز

بهزاد توفیق فر

بغلی‌بگیر
پس از ماهها سکوت خبری درباره دریافت کنندگان ارز دولتی، تلکس های خبرگزاریها و تلفن های دفاتر رسانه ها، خبر مهمی را مخابره کردند که موجب شگفتی کارشناسان و مردم شد.

«بلک مرکزی، فهرست دریافت کنندگان ارز دولتی را به وزارت اقتصاد فرستاد.» سخنگوی بانک مرکزی در این باره به خبرنگاران گفت: با تلاش شبانه روزی همکاران توانستیم این فهرست را تهیه و به وزارت اقتصاد بنویسد با تلاش شبانه روزی همکارانش، همچنین ابزار امیدواری کرد وزارت صنعت و تجارت دولت دهد. سخنگوی وزارت صنعت نیز این فهرست را تهیه و به وزارت اقتصاد فرستاد. آن را به وزارت ورزش و جوانان تحویل اطمینان داد به محض دریافت فهرست، آن را به وزارت ورزش و جوانان تحویل دهد.

قهوه‌ای
عابدزاده هرگونه نسبتی با عابدزاده را رد کرد و افزود: «این حرف‌ها پیش متخصصین هیچ جایی ندارد.» علی عابدزاده، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری در مراسم افتتاح هواپیمای ملخ‌دارها، ضمن تشکر از وزیر راه گفت: این اهابیل چیست که منتقل تازه یاد گرفته اند و می‌گویند؟ هواپیماهای ما هم ای بی سسی دارد هم دی‌اف جی و خیلی هم خوب است. وی در ادامه اذعان کرد: «قتی می‌گویم استاندارد است یعنی استاندارد است و نهاییات ما هواپیما را به کرمان نمی‌فرستیم» و می‌گزاریم در همین خط مهربان - دواهی تیان کار کنند. عابدزاده در پاسخ به سوالی مبنی بر سقوط یکی از همین هواپیماها در یاسوج گفت: اینا رنگش با لونا فرق داره، خیلی هم حواسمان خوبیم».

خواستار
فک حبیب‌زاده از چهار جا شکسته، رفته پی کارش. کارشناس روزنامه «تون» نوشت: در بازی استقلال و ذوب آهن، رضا حبیب‌زاده بازیکن ذوب آهن با اجرای یک فن تازه، فک خود را به پای وریا غفوری کوباند و آن را خرد کرد. در این بازی که به همت فدراسیون فوتبال و با همکاری سازمان لیگ و با حمایت وزارت ورزش و جوانان در چمن بر گزار شد، هردو بازیکن اشتباه زدند. کارشناسان معتقدند فوتبال بازی اشتباه زدن است و حمایتهای بیشتر دولت و مسئولین را خواستار شدند.



رضا عیوضی

خیار دوس داری؟

چند روزنامه دولتی همزمان با قیمتهای سرسام آور و مشکلات اقتصادی مردم چه نوشتند

باهم به بررسی تیرها و موضوعات مورد نظر این روزنامه‌ها در این روزهای گرانی دلار و بحران اقتصادی می‌پردازیم.

روزنامه‌اعتماد
این روزنامه در صفحه اول خود با تیتیر «سلام علیکم» روی که رفته است، نویسنده در مطلب مربوط به این تیتیر، «تولدهای پتیر تبریزی را پتیر معمولی»، «سرپال‌های ماه رمضان»، «جنت خم شدن با همدیگر نوشته و نوشته است که کرم کردن در دین اسلام خیلی توصیه شده و ثواب خیلی زیادی برای کسی که در سلام کردن پیش‌دستی کند دارد.

نویسنده در ادامه این مطلب گفته است که «تازها سلام سلامتی هم می‌آرد». اگرچه آمریکا از پیرام خارج شد و کری سفارت دوچرخه‌سواری اجسی کرلی روسا برده‌اند و تصاویری از آن را به چاپ رسانده‌اند.

روزنامه آرمان
روزنامه آرمان با تیتیر «خطره منتشر نشده مرحوم از کتجه» به گرانی‌ها و نوبه‌فراوان دولت‌های طول کشیده‌ها، مانند کلاس بری، طول کشیده‌ها، در حیرت از این دو مدیریت، بگو خیا بنه‌شدنی‌های چیپس و پفک پرداخته و گفته است این بنه‌شدنی‌ها باعث تشویق کودکان به مصرف این چیزها می‌شود.

روزنامه آفتاب
تیتیر یک این روزنامه این است: «خیار دوس داری؟» نویسنده در این مطلب به طبع گرم مردم در سراسر جهان صبحا از خواب بلند می‌شوند پاسبانها سنگ‌تازه آورده بودند که



شنبه

شهرام عدسی!

در بار عدس چرا تو سرگردانی؟! تو اسوه دولتی ترین مردانی برخیز جزایری خودت را بتکان! امشب تو به یک آب خنک مهمانی

ناهید رفیعی

یکشنبه

استغفای سنگتو!

مستول ضعیف دوره اش تار شد دانشجو نیز تمیز هایش بد شد برهیزر کن از کلاس استاد بنفش زیرا که نتیجه قهوه ای خواهد شد

مصطفی صاحبی

دوشنبه

سازمان پرمصرف

چون هوای شهرمان اوده بود دست خواشونی سوی باران می‌گشود برق او شد قطع چون بر مصرف است ظاهراً سر سنگین صفرا افرو

امین شفیعی



پنجشنبه

چوب لای جرخ دکتر سلام

گفتیم «سلام دکتر» و چک زدایید ما تک زده چه زود بانک زدایید از شاه و سکوت و حقتان حرفیدید لنگار به آن زمان فلاش‌بک زدایید

فهمیده انوری

چهارشنبه

روز خبرنگار

در این جهان مباد که تو کور و کر شوی باید تمام حادثه‌ها را ز بر شوی می‌گفت با صدای رسا یک خبرنگار: «ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی»

مینا گودرزی

پیام‌برات؟

نمونه‌های حرفی بین ما موهجی! تو لنگار قاضی و گداوول و کتبی! برو و اینستا اینستا بچه پر روتا بگو و لست بیاد بچه بسجی؟

ناهید رفیعی

نقد

افشار جابری

زیر معمولی!

درآمد بخرم یک پتیر معمولی شب از مغازه دکتر امیر معمولی که ناگهان هوس پسته کرد این دل تنگ تپش به قیمت یک ششت پسته هم نرسد تمام زندگی یک دبیر معمولی حقوق و وام و مزایای توپ می‌گیرد نود برابر من یک مدیر معمولی مدیر هم نه یا تا همین محله ما عوض اعتراض روائی جای پرتاب کفش و دمپایی با شاعر علیه اسرائیل می‌روید تو! راهپیمایی؟

آرد بزرگ‌تر از دهان

انقلاب کنید!

تا تپش روی ما حساب کنید دست در دست هم دهید به قهر میهن خویش را خراب کنید از گری‌اگی که خسته شدید تنمیر کنید! اعتصاب کنید خودتان با زبان نرم چماق همه‌اقتدار را محاب کنید که بریزید در خیابان‌ها با انبوس، بیج و تاب کنید گفته بودیم ملت ایران وقت آن است انتخاب کنید عکس شاه فقید ایران را روی تی شرت خویش قالب کنید هرچه در سطح شایع می‌بینید فوری آتش زده کباب کنید عاری هم اگر که رد می‌شد جزو شهر است، پس حساب کنید یک ندای بلند ازادبست هر زنی را که بی حجاب کنید تا بسجی به سمتان آمد توی حلقش منی مذهب کنید شیشه بانک را پتیر کنید توی اسردکن شراب‌کند از سر اعتراضی نعره کشان همه را غرق اضطراب کنید اعتراضات اینچنینی را توی کشور، قشششک باب کنید

آرد دادیم و... می‌فهمیدید هرچه که جز زردیم، خندیدید خودمان را ملام جز دادیم باز از فرط خنده ترک‌دید نیم قرن است نقشه میریزیم نیم قرن است که نترسیدای پیش چشم جهان و ملت‌ها سرمان خوبوب شیر ما لیدید عوض اعتراض روائی جای پرتاب کفش و دمپایی با شاعر علیه اسرائیل می‌روید تو! راهپیمایی؟

آه مردم، فزاتن ایز وات؟ ای بر این افلاتان صلوات



ماله کوچیک!

(متن استعای سخنگوی دولت که پذیرفته‌شد، زود بخواید تا فیلتر شده است)

ریاست محترم جمهوری جناب آقای دکتر روحانی با سلام
اینجناب محمد باقر نوبخت حقیقی (حقیقی پسوند فاضلم است و به معنای این نیست که بدل داشته باشیم یا بخوایم بگویم نسخه اصلی هستیم) با توجه به تاثیر عمیق نقش



خواب گلابی!

خوابیم و فقط خواب تو را می‌بینیم
در خواب گلابی تیل می‌چینیم
خوردیم پکی، ولی عجب سنگینیم!!
از درد نمی‌شود زمین بنشینیم
ناچار و دوست‌نا چو یگر و صد است
این قیمت خنده‌دار، صرفاً عدد است
شاعر کلمات بوق بوقی بلد است
چون نخش و دری زری ناخویر بد است
خوابیم و فقط خواب تو را می‌بینیم
در خواب گلابی تیل می‌چینیم
خوردیم پکی، ولی عجب سنگینیم!!
از درد نمی‌شود زمین بنشینیم
ناچار و دوست‌نا چو یگر و صد است
این قیمت خنده‌دار، صرفاً عدد است
شاعر کلمات بوق بوقی بلد است
چون نخش و دری زری ناخویر بد است
خوابیم و فقط خواب تو را می‌بینیم
در خواب گلابی تیل می‌چینیم
خوردیم پکی، ولی عجب سنگینیم!!
از درد نمی‌شود زمین بنشینیم
ناچار و دوست‌نا چو یگر و صد است
این قیمت خنده‌دار، صرفاً عدد است
شاعر کلمات بوق بوقی بلد است
چون نخش و دری زری ناخویر بد است



پوشک ضمیمه!

«هزار دشمن را می‌کنند قصد هلاک» اگر شبیه تو هستند پس نلرم پاک تویی خروجی ترکیب صنعت و سنت شبیه شبیه و شیر، کراک را تراک پیام دادای آن گونه با حروف بزرگ ولی چه گیر تو آمد از آن به‌غیر بلکا پیام زشت تو را هر که دید اشد نمود به کله‌ای تو و اسپیک زان بگفتا: خاکی نبوده قصه نوزان ش تو را عبرت! که گشتان نشد از ذهن کل دنیا پاک هنوز مانده از آن ماجرا برای شما دهان چاک و دل و چند جای دیگر چاک! پیام زشت تو چون لای در غریبی بود توان جنگ نداری تو مردک‌هنا! دوباره از ملولان‌تان رسیده خبر برایشان شده پوشک ضمیمه پوشاک! خلاصه باز اگر این چنین شکر خورده زنگت باش و بزین زود بعد از آن مسواک!

غرب زده ۲: اصلاً اونجا طرف غرب زده ۱: به این میگن آزادی، هر وقت دلشون بخواد مین، هر وقت دلشون بخواد میان، هر وقت دلشون بخواد میمیرن، حالا ما باشیم دو ساعت دیر بریم خونه از پوشکی قاضی رنگ میزنن که برادر من زودتر برو خونه نگارتن...

غرب زده ۴: از این یعنی هیجان... حالا از هر طرفی... شما تصور کن از بالای به ساختمان ۵ طبقه ای خودتون بنزاری پایین و طوری با بری ساری رو اسفالت خیابون که مغز سرت تا انگشت کوچیکه پات ترک بخوره،

حالا ما اگر اینجا بخوایم این کار کنیم یکس میاد بالا اونقدر رو محنت راه میره که این کار نکن بچه جون! دنیا که به آخر نرسیده، که خودت داوطلبه میای پایین و از جمع حاضر در محل حادثه غرخواهی میکنی که وقتشونو گرفت!

آزادی نداریم که!

غرب زده ۲: اونجا طرف از این دنیا خسته میشه دلش می‌خواد به دنیای دیگه رو تجربه کنه اراده میکنه میره به دنیای دیگه، اونوقت ما دنیا خسته میشیم میریم تو اتاقمون که خلوت کنیم ببینیم کدوم دنیا رو انتخاب کنیم صد نفر پشت در اتاق صف میکشن که چنه! اتفاقی افتاده؟ عاشق شدی؟ آزادی نداریم که.

غرب زده ۴: از این یعنی هیجان... حالا از هر طرفی... شما تصور کن از بالای به ساختمان ۵ طبقه ای خودتون بنزاری پایین و طوری با بری ساری رو اسفالت خیابون که مغز سرت تا انگشت کوچیکه پات ترک بخوره،

حالا ما اگر اینجا بخوایم این کار کنیم یکس میاد بالا اونقدر رو محنت راه میره که این کار نکن بچه جون! دنیا که به آخر نرسیده، که خودت داوطلبه میای پایین و از جمع حاضر در محل حادثه غرخواهی میکنی که وقتشونو گرفت!

حالا ما اگر اینجا بخوایم این کار کنیم یکس میاد بالا اونقدر رو محنت راه میره که این کار نکن بچه جون! دنیا که به آخر نرسیده، که خودت داوطلبه میای پایین و از جمع حاضر در محل حادثه غرخواهی میکنی که وقتشونو گرفت!

حالا ما اگر اینجا بخوایم این کار کنیم یکس میاد بالا اونقدر رو محنت راه میره که این کار نکن بچه جون! دنیا که به آخر نرسیده، که خودت داوطلبه میای پایین و از جمع حاضر در محل حادثه غرخواهی میکنی که وقتشونو گرفت!